

A Study of Punishment and Its Consequences in Islamic Religions and Iran's criminal policy

Abstract

The principle of discipline or punishment as the last method of education for the development and excellence of individuals is accepted and has legitimacy in Islamic jurisprudence and law, and its necessity is also mentioned in the Qur'an. It is permissible to correct their behavior and their difference is only in the quantity and quality of punishment. According to Article 1179 of the Civil Code and Article 95 of the Islamic Penal Code, in addition to parents, legal guardians and guardians have jurisdiction over minors and detainees. In general, comparing the views of the jurists with the fundamental rights, it can be concluded that the issue of guardianship is based on the verses of the Holy Quran and the narrations of the Imams and are not very different from each other. Also, according to Article 59 of the Islamic Penal Code, parents and persons in charge of minors and detainees have the right to discipline and corporal punishment of those under their care, so that light and insignificant violence is not legally considered a crime. This is because according to paragraph 1 of Article 59 of the Islamic Penal Code, the actions of parents and legal guardians and guardians of minors and homeless people that are done to discipline or protect them, if they are disciplined and protected as normal. With the aim of investigating punishment and its consequences in the law of Islamic religions and Iranian law, it has been done in a descriptive-analytical method. Keywords: consequence, punishment, Islamic religions, law, Iran's criminal policy.

بررسی تنبیه و پیامد های آن در مذاهب اسلامی و سیاست کیفری ایران

صادق فانی ملکی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۹

احمد میرخلیلی (نویسنده مسئول)^۲*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۵

علیرضا سلیمی^۳

چکیده

اصل تأدیب یا تنبیه به عنوان آخرین روش تربیتی در جهت رشد و تعالی افراد، در فقه و حقوق اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته و مشروعیت دارد و به ضرورت آن در قرآن نیز اشاره گردیده است. البته طبق نظر فقها بنابر اصل اولی تنبیه افراد جایز نیست و به عنوان یک روش ثانوی در جهت اصلاح رفتار آنها جایز می باشد و اختلاف آنان تنها در کمیت و کیفیت تنبیه است. بر اساس ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی و ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی علاوه بر والدین، اولیاء قانونی و سرپرستان نسبت به صغار و محجورین حق صلاحیت دارند. در مجموع با مقایسه دیدگاه فقها با حقوق اساسی می توان نتیجه گرفت که مسئله ولایت بر تأدیب برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار بوده و چندان تفاوتی با یکدیگر ندارند. همچنین بر طبق ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی پدر و مادر و اشخاصی که سرپرستی صغار و محجورین را به عهده دارند دارای حق تأدیب و تنبیه بدنی افراد تحت سرپرستی خود هستند، بطوری که قانوناً خشونت های سبک و کم اهمیت جرم تلقی نمی شود. بدین جهت است که به موجب بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی، اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب و یا حفاظت آنها انجام می شود، در صورتی که در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد جرم نمی باشد. این پژوهش با هدف بررسی تنبیه و پیامد های آن در حقوق مذاهب اسلامی و حقوق ایران به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

واژگان کلیدی: پیامد، تنبیه، مذاهب اسلامی، حقوق، سیاست کیفری.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه فقه و معارف اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

^۲ استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد میبد، دانشگاه آیت الله حائری، میبد، ایران.

^۳ استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

۱- مقدمه

با در نظر گرفتن هدف درونی و حالات روانی تنبیه‌کننده، تنبیه ممکن است به چهار صورت و چهار نوع انجام گیرد: ۱- تنبیه انتقامی ۲- تنبیه بازدارنده ۳- تنبیه به منظور منع و نهی افراد از ارتکاب خلاف ۴- تنبیه به منظور اندرز دیگران و عبرت آموزی ناظران تنبیه و تنبیه اصلاحی که از تشویق و مدارا و رفق و ملاحظت استفاده نموده و در صورت عدم تاثیرگذاری به تدریج بعداز تنبیه زبانی، تنبیه بدنی به کار گرفته شود و باید همه مراحل آن به مورد و به جا و با شرایط معین اجرا شود (بیگی و غلامی تازه قعله، ۱۳۹۱: ۵۵). برخی مسئله ضرب و تنبیه بدنی را در مورد افراد وظیفه‌شناسی مجاز شمرده که هیچ وسیله دیگری درباره آنان مفید واقع نشود و این موضوع تازه ای نیست که منحصر به اسلام باشد، در تمام قوانین دنیا هنگامی که طرق مسالمت آمیز برای وادار کردن افراد به انجام وظیفه، مؤثر واقع نشود، متوسل به خشونت می شوند، نه تنها از طریق ضرب بلکه گاهی در موارد خاصی مجازاتی شدیدتر از آن نیز قائل می شوند (سلطان احمدی، ۱۳۹۵: ۷). هرچند در شریعت مقدس اسلام که مواد مربوطه به مصونیت والدین در ایراد صدمات جسمانی فرزندان تا حد زیادی برگرفته از آن است، اصل عدم مسئولیت جزایی افراد پذیرفته شده است اما فقه اسلامی، در سیستم تربیتی خود تنبیه را البته به عنوان آخرین روش تربیتی پذیرفته است و حقوقدانان اسلامی با تأسی از آن، تنبیه بدنی را در صورت ضرورت برای تربیت افراد پذیرفته‌اند که البته میزان و مصلحت آن را لازم‌الرعیه می‌دانند (سماواتی پیروز، ۱۳۸۸: ۱۴۶). چنین به نظر می‌رسد که تنبیه صرفاً رفتار ناشایست را پس می‌زند و زمانی که فرد احتمال تنبیه برای خود نمی‌دهد، رفتار وی، به شکل اولیه باز می‌گردد. بنابراین، گرچه تنبیه اغلب خیلی مؤثر به نظر می‌رسد، اما در واقع اثری ناپایدار خواهد داشت. در روش تربیتی اسلام نیز محبت، رحمت، احترام، عفو و بخشش همیشه مطلوب است و تندی و عتاب و خطاب و غضب نسبت به فرد نه تنها مطلوب نیست بلکه نهی هم شده است (کفایی، ۱۳۸۶: ۷). از جمله سوالات قابل طرح در این پژوهش به این صورت است که: تنبیه چیست؟ پیامد های تنبیه و مراحل آن چیست؟ پیامد های تنبیه در حقوق ایران و حقوق مذاهب اسلامی به چه صورت می‌باشد؟

۲- اهمیت و ضرورت

تنبیه بدنی از آغاز تا کنون نقش بس تعیین کننده ای در نظام های قضایی و آموزشی داشته است. همین طور در خانواده ها برای حفظ انضباط و کنترل رفتار کودکان و نوجوانان به آن متوسل می شده اند. پس از آغاز عصر روشنگری در اروپا، ژان ژاک روسو روش های جدیدی را جهت حفظ انضباط در خانه و مدرسه مطرح نموده و روش تنبیه بدنی را نا کار آمد دانست. با توجه به تفاوت ها و تمایزات جوامع از نقطه نظر سطح توسعه یافتگی و سیر تاریخی تحولات آنها، استفاده از این ابزار نیز در جوامع مختلف دچار تغییرات اساسی گردیده است. در واقع توسل به تنبیه بدنی در نظام های آموزشی جوامع مختلف

با پیشرفت در عرصه‌های مختلف اجتماعی و رسیدن به توسعه‌ی پایدار، به مرور زمان موضوعیت خود را از دست می‌دهد. و هر چه جامعه‌ای از الگوهای توسعه‌یافتگی و پیشرفت فاصله‌ی زیادی داشته باشد، اندیشه‌های هابزی ناشی از نگاه بدبینانه نسبت به ذات شرارت‌آمیز انسان، سایه‌ی شوم آن را بر سر کودکان نیک سرشت جامعه تحمیل و توجیه خواهد کرد. با نگاهی گذرا در خصوص وقایع و اتفاقاتی که مدام در محیط زندگی مان رخ می‌دهد، روزانه خبرهای ناگواری از تنبیه بدنی را که مصداق بارز کودک‌آزاری یا خشونت علیه کودکان تلقی می‌شود، دریافت می‌کنیم که آثار زخم‌های آن نه فقط بر تن نحیف کودکان، بلکه بر روح و روان آنان نیز سال‌ها بر جای خواهد ماند. کودکان مناطق فقیر، به خاطر نیاز والدین به نیروی کار آنها، اغلب از رفتن به مدرسه باز می‌مانند. این کودکان برای برآورده ساختن انتظارات والدین خود در محیط‌های کار، اعم از خانه، مزرعه و ... اغلب مورد تنبیه بدنی قرار می‌گیرند. آنهایی هم که به مدرسه می‌روند، با بروز کوچک‌ترین خطا در انجام وظایف و تکالیف مربوط به مدرسه، و یا فعالیت اقتصادی، هم از طرف خانواده و هم مدرسه، تنبیه بدنی در موردشان اعمال می‌گردد (بابا اوغلی، ۱۳۹۶: ۱۰). تنبیه از مهمترین مظاهر اصل خوف محسوب می‌شود و همانطور که تنبیه کردن در بعضی شرایط ممکن است باعث ایجاد اثرات سوء و نامطلوب نسبت به فرد گردد. چه بسا صرف نظر کردن از تنبیه، در صورت ارتکاب یک عمل زشت و ناپسند نیز اثرات سوء دیگری برای فرد داشته باشد و چه بسا اثرات سوء تنبیه نکردن از اثرات سوء تنبیه کردن بسیار بیشتر باشد. از طرفی اثراتی مانند تشویق افراد دیگر به اعمال ناپسند، از بین رفتن قباحات عمل ناشایست، پایمال شدن حقوق دیگران از جمله مواردی است که از عدم تنبیه، ممکن است حاصل شود. هنر مربی؛ هنر تشویق کردن برای رسیدن به کمالات حقیقی و هشیار نمودن در دوری از آنچه موجب تباهی است. به عبارت دیگر، روش تشویق و تنبیه روشی است نیکو در برانگیختن به سوی مراتب کمال حقیقی و دور نمودن از مراتب غفلت و ظلمت است. پیامبر اکرم (ص) در رسالت تربیتی خود، مردمان را با راغب ساختن و تشویق کردن به سوی حق برانگیختن و با هشیار ساختن و ادب نمودن از هلاکت دور ساخت. بنابراین روش تشویق و تنبیه، علم و هنر برانگیختن و بازداشتن است که در میدان عمل به شناخت، محبت، ظرافت و دقتی طبیبانه نیاز دارد تا نقش خود را در تربیت به درستی ایفا نماید (جویباری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷). لذا در قالب یک پژوهش جامع، ویژگی‌ها و معیارها و آثار و برکات تنبیه بر اساس آیات قرآنی و روایات معصومین بیان می‌شود تا مربیان سالمی بتوانند افراد شایسته‌ای را تربیت کنند.

۳- پیشینه پژوهش

جویباری و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان "دیدگاه و تجربیات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان از تنبیه در محیط‌های آموزشی" انجام دادند. ۶۰ درصد دانشجویان مونث، با قومیت فارس و

غیره، با تنوع رشته پزشکی، پرستاری و مامایی و پیراپزشکی بودند. مفهوم تنبیه براساس تجربیات مشارکت کنندگان معادل «اذیت شدن، ضایع شدن، نمره کم گرفتن، سازندگی ارتقا» بود. «تنبیه توجیهی» مورد پذیرش دانشجویان بوده است و وجود تنبیه ای که سازنده باشد و شخصیت دانشجویان را زیر سوال نبرد «را ضروری می دانستند. مشارکت کنندگان اظهار داشتند در محیط آموزشی از سوی استاد مورد تنبیه واقع می شوند اما هر استادی به شیوه خاصی از تنبیه در آموزش دانشجویان استفاده می کند. دانشجویان تنبیه را عاملی برای توجیه شدن رفتارهای خود می دانستند. اما برخی از تنبیه ها در محیط آموزشی جنبه متنبه شدن و مثبت را نداشت و دانشجویان در برخی از موارد رفتارها و نحوه برخورد اساتید را به عنوان تنبیه قلمداد می نمودند و اثرات تخریبی بر شخصیت دانشجویان بر جا گذاشته بود.

سادات کبیری و حسن زاده (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان "نقش تربیتی تشویق و تنبیه از منظر امام علی (علیه السلام)" انجام دادند. یکی از مباحث مهم و موثر در عرصه تربیت انسان ها، تشویق و تنبیه است. انسان ها با توجه به حب نفس و نیاز فطری، دوست دارند مورد عنایت، توجه و تشویق قرار بگیرند. تشویق و تنبیه؛ در سیره تربیتی امیرالمومنین علیه السلام نیز مورد استفاده قرار گرفته است و به عنوان یک مربی کامل الهی در امر تربیت تمام شرایط و آداب آن رعایت شده است و ایشان در عرصه های مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عبادی و... از این روش کارساز تربیتی مدد جسته اند. نهج البلاغه به عنوان یکی از مهم ترین منابع موجودی است که در این زمینه می توان از آن بهره برد و سیره عملی تربیتی امام علی (ع) را به عنوان الگوی کامل مورد مطالعه قرار داد.

تقی پور (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان "اهداف مجازات از دیدگاه مکتب حقوق کیفری و اسلام" انجام دادند. انسان موجودی اجتماعی است. اما با توجه به روحیه طغیانگر و زیاده طلب انسان که به دنبال تحصیل منافع می رود، ایجاد تضاد بین آنان امری طبیعی است. به همین دلیل با توجه به این که بقای اجتماع با هرج و مرج امکان پذیر نیست و باید قواعدی بر روابط اشخاص از جهتی که عضو جامعه هستند حکومت کند، در طول تاریخ حیات بشری، مجازات همواره به عنوان عکس العملی در برابر جرایم ارتكابی مورد توجه قرار داشته است. با بررسی تحولاتی که در انواع مجازات و چگونگی اعمال آن وجود داشته و نظریاتی که توسط مکاتب حقوق کیفری ارائه گردیده، مشخص می گردد که اهداف خاصی در این رابطه مدنظر قرار داشته است. این در حالی است که از نظر اسلام، اهداف متعددی بر مجازات مترتب است به گونه ای که آثار و نتایج فردی حاصل از اجرای مجازات در جامعه، هیچ گاه از نظر اسلام به دور نبوده است. همچنین، در برخی موارد عدم اجرای مجازات می تواند اهداف مورد نظر را برآورده سازد.

بهارلو (۱۳۹۳)، پژوهشی با عنوان "نقش تربیتی تشویق و تنبیه از منظر حضرت علی (سلام الله علیه)" انجام داد. این پژوهش به بررسی نقش تربیتی تشویق و تنبیه از منظر حضرت علی (سلام الله علیه) می پردازد. از اینرو ابتدا به ذکر تعاریفی از یادگیری، آموزش، تربیت پرداخته سپس بحث در مورد تقویت

مثبت (تشویق)، تقویت منفی، تنبیه انسان می‌شود و پیشینه‌ی تاریخی تشویق و تنبیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان تربیتی، تشویق و پاداش از مهم‌ترین انگیزه‌های پیشبرد تعلیم و تربیت به شمار می‌رود چه گوهر وجود آدمی و حقیقت ملکوتی او جز با تربیتی حقیقی شکوفا نمی‌شود.

طیبی جبلی و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان "سازوکارهای حمایت از حقوق کودک در برابر مجازات و تنبیه از نظر فقه و حقوق" انجام دادند. توجه به حقوق کودک و حمایت از او در برابر مجازات و تنبیه، از اموری است که طی سال‌های اخیر، نظر بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. این موضوع از جهت مباحث حقوق بشری و در قالب اسناد بین‌المللی حمایت از کودک، بازتاب خاصی دارد. از نظر معاهدات بین‌المللی و همچنین قوانین داخلی ایران، انواع مختلف مجازات و تنبیه کودک مانند آزار جسمی ممنوع شمرده شده است. از طرف دیگر، شریعت اسلام نیز نگاه ویژه‌ای به کودک دارد. فقها نیز، اهتمام ویژه‌ای به این امر داشته‌اند. مقاله حاضر در پی این سوال پژوهشی است که سازوکارهای حمایت از کودک در برابر تنبیه و مجازات‌های غیرقانونی از دیدگاه اسلام و قوانین ایران چیست نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که مهمترین سازوکارهای فقهی در قالب حرمت ایذاء، ضرورت حلالیت طلبیدن، وجوب پرداخت دیه، وجوب آموزش حیا لازم، ضرورت حفظ حرمت کودک، داوری خانوادگی تبیین شده است. از نظر حقوقی نیز وجود نهادهای نظارتی و حمایتی مانند تاسیس دادگاه‌های مخصوص، به عنوان راهکار حمایتی شناخته شده است.

تمنایی فر و همکاران (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان "پیامدهای تنبیه بدنی کودکان توسط والدین در محیط خانه و خانواده" انجام دادند. طرز رفتار بزرگسالان اثر عمیقی بر شخصیت کودکان و عادات کسب شده توسط آنها دارد. تنبیه بدنی به معنای آگاهانیدن، بیدار کردن، واقف گردانیدن به چیزی و آگاهی و هوشیاری کردن آمده است. تنبیه بدنی به معنای استفاده از نیروی فیزیکی جهت ایجاد درد بدون صدمه، به منظور تربیت (تصحیح یا کنترل رفتار) کودک می‌باشد. تنبیه بدنی یک نوع کودک آزاری و شایع‌ترین نوع خشونت در خانواده است که موجب نقض حقوق کودک می‌شود. معمولاً روان‌شناسان تنبیه بدنی را جایز نمی‌دانند. تنبیه بدنی دارای اثرات مخرب کوتاه و بلند مدت بر جسم و روح کودک می‌باشد و عوارض نامطلوبی همچون ترس، عدم یادگیری رفتار درست، توجیه صدمه زدن به دیگران، پرخاشگری نسبت به عامل تنبیه کننده، جانشین شدن یک پاسخ نامطلوب به جای پاسخ نامطلوب دیگر و الگو برداری از آن توسط دیگران را به همراه دارد. پژوهش‌ها حاکی از آن است که مادران خانه دار و دارای سطح تحصیلات پایین، بیشتر از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند و مشکلات رفتاری مثل پرخاشگری عملی و کلامی، گوشیه‌گیری و عدم همکاری در کودکانی که توسط والدین تنبیه می‌شدند نسبت به آنها که تنبیه نمی‌شدند بیشتر می‌باشد. بنابراین، آموزش اثرات بد تنبیه بدنی بر جسم و روح کودک به والدین و نیز آموزش روش‌های تربیتی مثبت به آنها می‌تواند در کاهش استفاده از تنبیه

بدنی به عنوان یک روش تربیتی مرثر باشد علاوه بر این، بهتر است از روش های جانشین تنبیه همچون اشباع، گذشت زمان، تقویت رفتار ناهمساز و نادیده گرفتن استفاده کرد.

سادات فاطمی (۱۳۸۸)، پژوهشی با عنوان " بررسی روش های تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه قرآن و مقایسه آن با مکتب رفتارگرایی " انجام داد. ضرورت وجود تشویق و تنبیه در هر نظام تربیتی، وضعیت نا مطلوب تشویق و تنبیه در نظام های تربیتی موجود، نگاه به قرآن به عنوان یک دستورالعمل تربیتی، لزوم بررسی دیدگاه های مکتب رفتارگرایی در باره تشویق و تنبیه و مقایسه آن با دیدگاه اسلام ما را بر آن داشت تا موضوع این تحقیق را بررسی روش های تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه قرآن و مقایسه آن با مکتب رفتارگرایی " قرار بدهیم.

۴-اهداف پژوهش

-بررسی تنبیه و پیامد های آن در حقوق مذاهب اسلامی و حقوق ایران

-تعریف تنبیه و ذکر پیامد ها و فواید آن

-تبیین جایگاه تنبیه در نظام تربیتی اسلام

-تبیین جایگاه تنبیه در نظام حقوقی ایران

-بررسی ابعاد مختلف تنبیه در قرآن و سنت

۵-روش تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی برای مطالعه و استنتاج از اطلاعات و داده های پژوهش در کنار روش اسنادی برای جمع آوری داده های پژوهشی مورد استفاده قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش روشی تحلیلی- توصیفی است که بر اساس منابع کتابخانه ای موجود صورت گرفته است. پس از تعیین موضوع، جهت فیش برداری از منابع فارسی، به مراجع مختلف از جمله دانشکده های حقوق مراجعه شد اما در ارتباط با منابع فقهی، که عمده مباحث را به خود اختصاص داده است باید گفت: با توجه به توسعه علوم و فناوری- های جدید و ارائه نرم افزارهای جامع از سوی مؤسساتی مانند مؤسسه نور، که حاوی هزاران کتاب می باشد؛ جمع آوری عمده مطالب و فیش برداری لازم از این طریق صورت گرفت. در نهایت به تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته شد؛ و با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی، به یافتن سؤالات تحقیق و اثبات یا رد فرضیه ها و نیز نظرات نهایی مرتبط با موضوع پایان نامه پرداخته شد. ابزار گرد آوری اطلاعات: منابع جمع آوری داده ها در روش کتابخانه ای، همه

اسناد چاپی همانند کتاب، دائره‌المعارف‌ها، مقالات، مجلات، مصاحبه‌های چاپ‌شده، بانک‌های اطلاعاتی و اینترنت است.

۶-تعریف مفاهیم

۶-۱-تعریف لغوی تنبیه

«تنبیه» در لغت، به معنای آگاهانیدن، بیدار کردن، واقف گردانیدن به چیزی و آگاه و هوشیار کردن آمده است.

۶-۲-تنبیه در اصطلاح

در اصطلاح، «تنبیه» به عملی گفته می‌شود که لازمه آن آگاه کردن و هوشیار ساختن. تنبیه زمانی رخ می‌دهد که پاسخ مثبتی را از موقعیت حذف و یا چیزی منفی به آن بیفزاییم. به زبان متداول، می‌توان گفت: تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانیزم است که خواستار آن است، یا دادن چیزی است به او که طالب آن نیست. جان لیاز و همکاران او می‌گویند: «تنبیه عبارت است از: ارائه محرک ناخوشایند یا حذف تقویت مثبت بلافاصله بعد از انجام یک رفتار». «تنبیه» به این معنا را «تنبیه به معنای عام» می‌گوییم. به عبارتی تنبیه عبارت است از ارائه یک محرک آزارنده یا تنبیه‌کننده به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار. برای مثال، اگر بعد از انجام رفتاری نامطلوب از سوی کودک - مثلاً، گفتن یک حرف زشت - با ارائه یک محرک آزارنده - مثل سیلی زدن به او - خواسته باشیم که احتمال بروز رفتار نامطلوب را در او کاهش دهیم، او را تنبیه کرده‌ایم. «تنبیه» به این معنا را «تنبیه به معنای خاص» می‌گوییم. همچنین تنبیه بدنی یا کتک زدن؛ گاهی مراد از «تنبیه» همین معناست که آن را «تنبیه به معنای اخص» می‌گوییم. روشن است که طبق معنای اول (معنای عام) تنبیه، طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد که عبارت است از: تغافل، بی‌اعتنایی، تهدید، تحقیر، سرزنش، تمسخر، محروم‌سازی، جریمه، جبران، تغییر چهره، روی برگرداندن و تنبیه بدنی. اما طبق معنای دوم (معنای خاص) تنبیه دیگر شامل؛ تغافل، بی‌اعتنایی، محروم‌سازی و به عبارت دیگر، حذف تقویت مثبت نمی‌شود. آنچه از میان این معانی سه‌گانه مورد تردید و بحث واقع شده، قسم سوم (تنبیه به معنای اخص) است، گرچه برخی از مصادیق تنبیه به معنای دوم (معنای خاص) مانند: تهدید، تحقیر، سرزنش و تمسخر نیز کمابیش مورد رد و انکار واقع شده. بنابراین، بیشترین تلاش بر این است که ببینیم روایات معصومان علیهم‌السلام درباره تنبیه بدنی کودک چه می‌گویند. انحصار بحث به تنبیه کودک نیز به دلیل اهمیت تربیتی آن در این دوران است (کریمیان، ۱۳۸۷: ۳-۴). تنبیه **punishmen** عبارت است از: اعمال یا تحمیل رفتاری ناخوشایند و یا مورد تفر بر یک فرد و یا حیوان به دلیل انجام رفتاری غلط، نافرمانی و یا رفتار ناپسند اخلاقی. در دایره‌المعارف فلسفه آمده است که کلمه اسمی است مشتق از فعل تنبیه کردن (**to punish**) این فعل اولین بار در سال ۱۳۴۰ در کشور انگلستان به ثبت رسیده است. این کلمه از یک واژه فرانسوی قدیمی

(punis) گرفته شده است. و از ریشه (punir) به معنای تنبیه کردن است. spunir کلمه ای لاتین و به معنای تحمیل مجازات است. کلمه ای قدیمی نیز وجود دارد (spoena) که به معنای ایجاد رنجش در برابر عملی اهانت آمیز است. تعریف متداول تنبیه عبارت اند از «تحمیل مقتدرانه محدودیت ها بر آزادی، مالکیت حقوقی و یا سایر چیزهایی است که فرد حق استفاده از آنها را دارد. یا عبارت است از تحمیل حدود بر فردی که بخاطر قانون شکنی مجرم شناخته شده است (سادات فاطمی، ۱۳۸۸: ۲۰).

۷- مبانی نظری

۷-۱ تنبیه از منظر فقه امامیه

فقهای امامیه تنبیه را از جهات مختلف بررسی کرده اند که یکی از این ابعاد، اصل جواز تنبیه برای تعلیم و تربیت است. ایشان اصل تنبیه را از دریچه ی دو رویکرد مذاقه نموده اند: یکی مقتضای اصل اولیه و دیگری مقتضای ادله ی شرعی.

- مقتضای اصل اولیه

مقتضای اصل اولیه، حرمت تنبیه است، زیرا تنبیه مصداق آزار و اذیت است و اذیت ظلم است و ظلم هم حرام است. آیت الله گلپایگانی در این زمینه می گوید: شکی نیست که ظلم حرام است و همچنین شکی نیست که زدن غیرممیز از مصادیق ظلم است و عقلاً جایز نیست، خواه تنبیه کننده پدر باشد یا دیگری، چون با فرض غیر ممیز بودن، از عناوین قصدیه اطلاع ندارد و نمیداند به چه علت تنبیه شده است و بر این تنبیه به جز اذیت افراد آثار دیگری مترتب نمی شود و اذیت او هم مطلقاً جایز نیست، چه از جانب پدر باشد و چه از جانب معلم.

مقتضای ادله ی شرعیه

بررسی ادله نشان می دهد برخی روایات دلالت بر منع تنبیه بدنی دارند، مانند این روایت که مردی از اصحاب امام کاظم (ع) نزد ایشان آمد و از سوء اخلاق فرزندش شکایت کرد و امام (ع) فرمودند: او را زن، با او قهر کن و قهر را طولانی نکن. از آنجا که مقتضای قاعده ی اولیه، حرمت تنبیه است، در تمام موارد خارج از محدوده ی مشخص شده در روایات، حکم تنبیه بدنی کودک حرمت خواهد بود و تخطی از قیود مندرج در روایات هیچ وجه شرعی ندارد (پورعبدالله و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۸).

۷-۲ تنبیه و تادیب در قرآن

در قرآن نیز در خصوص مساله تادیب نیز آیات متعددی آورده شده که به بررسی برخی از این آیات پرداخته می شود.

«و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهاون عن المنكر و اولئك هم المفلحون»

این آیه در خصوص امر به معروف و نهی از منکر می باشد و به معنای این است که مسلمانان می توانند مردم را به نیکوکاری و انجام کارهای خیر تشویق نمایند و چنانچه این کار را انجام دهند به رستگاری خواهند رسید. مفهوم دیگری که از این آیه برداشت می گردد نهی کردن از انجام کار بد است که باید توسط حاکم اسلامی صورت پذیرد.

در خصوص مساله تادیب خداوند در سوره نساء به تنبیه زنان در صورت مخالفت زنانشان اشاره می کند و می فرماید: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله و اللاتي تحافون نشوزهن فعظوهن واهجرهن في المضاجع و اضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا»

مفهوم این آیه در ارتباط با پیروی زنان از مردانشان است و بر اساس آن مردان وظیفه دارند که به زنان نفقه دهند و زنان در مقابل مردان موظف اند که حافظ حقوق مردان باشند و از فرمان مردانشان سرپیچی نکنند و چنانچه سرپیچی کنند مردان می توانند آنها را تنبیه نمایند. در خصوص مسئله تادیب خداوند تبارک و تعالی با توجه به نوع عملی که از شخص بروز می دهد مجازات را برای او در نظر می گیرد. در برخی از جاها نصیحت را لازم می داند. برخی جهات تنبیه بدنی و گاهی هم قصاص را بعنوان یک نوع مجازات برای جلوگیری از فاسد شدن جامعه می داند (حیدرخواه، ۱۳۹۶: ۱۱۵). تعدادی از نظریه پردازان بر این باور هستند که تنبیه در طبیعت وجود دارد لذا این رفتار در انسان می تواند طبیعی باشد.

نمودار (۱) محسناتی برای تنبیه بدنی

تنبیه بدنی یک وسیله طبیعی است چون در طبیعت وجود دارد.

تنبیه کننده بعد از تنبیه خطاکار احساس آرامش می کند.

تنبیه بدنی در کوتاه ترین زمان پاسخ می دهد.

تنبیه بدنی آسان و وسایل آن در دسترس است.

شهر آرای در مقاله ای با عنوان تنبیه و شرایط مناسب آن برای اصلاح رفتار می نویسد: برای اینکه تنبیه در اصلاح رفتار نامطلوب کارایی مناسبی داشته باشد لازم است به نکات زیر توجه شود:

جدول (۱) عوامل لازم برای کارایی تنبیه در ایجاد رفتار مناسب

عوامل لازم برای کارایی تنبیه در ایجاد رفتار مناسب	
تثبات تنبیه	تناسب تنبیه با خصوصیات جسمانی و روانی تنبیه شونده
کیفیت رابطه بین تنبیه کننده و تنبیه شونده	زمان تنبیه
تناسب شدت تنبیه با رفتار نامطلوب	حالات تنبیه کننده هنگام اعمال تنبیه
شدت تنبیه	رفتار تنبیه کنندگان (والدین) با یکدیگر و تنبیه شونده (کودک)
تنبیه و نوع رفتار، یعنی بسیاری از رفتارها برای سنینی خاص طبیعی است و به تنبیه نیازی ندارد.	مکان تنبیه
تکرار تنبیه	تناسب تنبیه با رفتار نامطلوب

منبع: (علوم یزدی، ۱۳۹۳: ۴۲)

۳-۷ شکنجه و مجازات های بدنی در حقوق ایران

شکنجه در لغت به معنی «رنج، آزار، عذاب و اذیت» آمده است. معادل انگلیسی این کلمه نیز torture است. است که به معنای شکنجه، شکنجه کردن و زجر دادن آمده همان طور که ملاحظه می شود شکنجه یا معادل انگلیسی آن در لغت به صورت مطلق شامل هر رنج و عذابی می شود که به دیگری وارد می آید و از این حیث هیچ قیدی هم که آن را محدود به شکنجه جسمی یا روحی کند، وجود ندارد. هیچ انگیزه ای هم شرط تحقق آن نیست؛ به این صورت که گفته شود که شکنجه زمانی محقق می شود که مأمور دولت به قصد یا انگیزه اینکه متهمی اقرار کند، او را بزنند. با این حال در ادبیات حقوق کیفری ایران به تبعیت از اصل ۳۸ قانون اساسی، شکنجه عمدتاً به رفتارهایی غیرانسانی اعم از اذیت و آزار روحی و جسمی متهم و مظنون اطلاق می گردد که برای کسب اقرار یا اطلاع از آنها صورت می گیرد. اصل ۳۸ قانون اساسی ایران مهمترین منبع حقوق ایران در زمینه منع شکنجه است. طبق این اصل هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. از مقایسه دقیق مفاد کنوانسیون منع شکنجه با حقوق ایران به خصوص قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی این

نتیجه حاصل می‌شود که فقط در یک مورد می‌توان بین این دو مغایرتی را ملاحظه کرد و آن هم مربوط به مجازات‌های بدنی مقرر در قوانین مجازات اسلامی است. در نظام حقوق کیفری ایران برخی مجازات‌های بدنی وجود دارد. این مجازات‌ها در بخش تعزیرات صرفاً شامل شلاق می‌شود اما در جرایم مستوجب حدود، علاوه بر شلاق، سنگسار و قطع عضو را هم در بر می‌گیرد. در بحث قصاص هم، قصاص عضو در این زمره قرار می‌گیرد. توضیح اینکه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد برخی از جرایم، مجازات‌های بدنی مثل شلاق، قطع دست و پا و سنگسار را وضع کرده است. به عنوان مثال طبق ماده ۲۳۰ این قانون، مجازات حد زنا یا مردی که واجد شرایط احصان نباشند، صد تازیانه است و طبق ماده ۲۲۵ زنا یا مرد محصن با زن محصنه موجب سنگسار است. طبق ماده ۲۸۲ یکی از مجازات‌های محاربه قطع دست راست و پای چپ است. به موجب ماده ۲۷۸ این قانون حد سرقت در مرتبه اول قطع انگشتان دست راست و در مرتبه دوم قطع پای چپ است. در مواد ۳۸۶ تا ۴۱۶، احکام مربوط به قصاص عضو جانی بیان شده است و ماده ۳۸۶ مقرر می‌دارد: مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق قانون از جهت دیه و تعزیر عمل می‌گردد. این در حالی است که به رغم آنکه ذیل ماده یک کنوانسیون منع شکنجه، مجازات‌های قانونی و رنج و درد ناشی از آن را از قلمرو شکنجه خارج کرده، اما کمیته ضدشکنجه و نیز کمیته حقوق بشر مجازات سنگسار، شلاق و قطع عضو را مصداق شکنجه می‌دانند. با این وصف آیا می‌توان مدعی شد که این مجازات‌ها خلاف کنوانسیون منع شکنجه نیست. اگر عنوان مجازات‌های خشن و تحقیرکننده مذکور در ماده پنج اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شامل این نوع مجازات‌ها شود، از این حیث مقررات جزایی جمهوری اسلامی ایران با موازین مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر هماهنگ نیست. آنچه واضح است اینکه جمهوری اسلامی ایران تصمیم بر حذف برخی از مجازات‌های بدنی موجود در نظام کیفری خود به ویژه در قلمرو جرایم مستوجب حد و قصاص ندارد. با این وصف راه حلی که برای فائق آمدن بر مشکل به نظر می‌رسد آن است که جمهوری اسلامی ایران بدون دست برداشتن از عقیده خود مبنی بر اینکه مطابق ذیل بند یک کنوانسیون، مجازات‌های مقرر قانونی از شمول شکنجه خارج است، سعی و تلاش مجدانه خود را برای تعدیل مجازات‌های مذکور انجام دهد. ضمن اینکه به نظر می‌رسد الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون منع شکنجه با توجه به حق شرط پذیرفته شده در مواد ۲۸ و ۳۰ این کنوانسیون مشکلی را برای جمهوری اسلامی ایران در پی نخواهد داشت؛ زیرا با پذیرش شرط مندرج در ماده ۲۸ خود را از نظارت کمیته ضدشکنجه مندرج در ماده ۲۰ رهایی خواهد داد و با شرط مذکور در ماده ۳۰ هم ارجاع به داوری در هنگام اختلاف در مفاد کنوانسیون را نخواهد پذیرفت. به هر حال در ادامه به بررسی مواردی خواهیم پرداخت که مقنن با در نظر گرفتن آنها می‌تواند به تعدیل مجازات‌های بدنی موجود در قوانین کیفری بپردازد (پوربافرانی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۴۷).

۷-۴ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی

پدر و مادر و اشخاصی که سرپرستی صغار و محجورین را به عهده دارند دارای حق تأدیب و تنبیه بدنی افراد تحت سرپرستی خود هستند، بطوری که قانوناً خشونت های سبک و کم اهمیت جرم تلقی نمی شود. بدین جهت است که به موجب بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی، اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب و یا حفاظت آنها انجام می شود، در صورتی که در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد جرم نمی باشد. بنابراین حدود حق تنبیه والدین دو چیز است: ۱- قصد تأدیب و محافظت باشد ۲- در حد متعارف باشد. برخلاف دیدگاه فوق عده ای سبب اباحه عمل والدین را اجازه قانون دانسته اند و گفته اند، منشاء این اجازه نیز عرف است. به استناد این ماده اولیاء و سرپرستان افراد نافرمان می توانند آنها را در حدود متعارف، تعلیم و تربیت تنبیه و یا از بعضی آزادیها محروم کنند بدون آنکه این اقدام جرم شمرده شود. لذا در مورد حبس و توقیف غیرقانونی یا مخفی نمودن به عنف اشخاص در محلی که برحسب مورد مستوجب کیفر حبس یا شلاق و یا تنها کیفر حبس است، طبق قسمت اخیر ماده ۷۱ ق.م.ا. (تعزیرات سابق) مواد (۵۷۵-۵۸۳-۶۲۱) قانون مجازات فعلی) اولیای قانونی از قبیل پدر نسبت به اولاد و ولی نسبت به مجنون از مفاد مواد مزبور مستثنی می باشند مشروط براینکه اقدام اولیاء از حد تأدیب تجاوز ننماید. مرجع تشخیص میزان و مصلحت بودن تنبیه، به عرف واگذار شده که بدیهی است احتمال سوء استفاده از این اختیار بیشتر خواهد شد (تنبیه بدنی نامشروع). لذا با توجه به اینکه در سال های اخیر مواردی چند از سوء رفتار والدین نسبت به فرزندان در رسانه های گروهی گزارش شده و می شود که در واقع مصادیق بارز خشونت و اذیت و آزار و شکنجه بوده و از حد تنبیه و تأدیب بسیار فراتر رفته است. قانون حدود تأدیب و تنبیه را مشخص ننموده و در این موارد به عرف تکیه کرده لذا متعارف بودن را عرف محل مشخص می کند. در حالی که جامعه ما بخصوص واجد عرفه ای گوناگون و متغیری است. البته نباید نادیده انگاشت که طریق مشخص دیگری نیز نمی توان پیش بینی کرد فقط می توان اضافه کرد که تشخیص عرف و حدود و ثغور آن به نظر دادگاه واگذار شده که با توجه به خلق و خو و اخلاق جامعه و عرف محلی می تواند تصمیم گیری نماید. عده ای از صاحب نظران معتقدند مقنن با انشاء بند ۱ ماده ۵۹ نه فقط بر اقدامات تنبیهی والدین صحنه گذاشته است بلکه با وضع یک ضابطه اساسی- مبنی بر اینکه تنبیه باید به قصد تربیت و در حد متعارف باشد- درصدد برآمده است رفتارهای تنبیهی را تحت قاعده و نظم معینی درآورد، اما پیش از آنکه بتواند راهکارهای مناسبی ارائه نماید به وخامت اوضاع افزوده است (سماواتی پیروز و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۳-۱۵۴).

۷-۵ شرایط تنبیه مجاز در مدارس ایران

در سال ۱۳۷۹ آیین نامه اجرایی مدارس به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. به استناد ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی آموزش و پرورش مصوب مجلس شورای اسلامی نیز مصوبات این شورا

معتبر بوده و برای مؤسسات ذی ربط لازم الاجراست. فصل ششم این آیین‌نامه به مقررات انضباطی دانش‌آموزان پرداخته است و در ذیل ماده ۷۶ موارد تنبیهی را که معلمان و مسئولان مدرسه مجاز هستند در صورت تخلف دانش‌آموزان آن هم به شرطی که راهنمایی‌ها و چاره‌جویی‌های تربیتی در آنها مفید و مؤثر واقع نشده است اعمال کنند. احصاء کرده است. این موارد از این قرارند:

نمودار (۲) موارد تنبیهی را که معلمان و مسئولان مدرسه مجاز هستند در صورت تخلف دانش‌آموزان اعمال کنند.

تذکر و اخطار شفاهی به طور خصوصی

اخطار کتبی و اطلاع به ولی دانش‌آموز

تذکر و اخطار شفاهی در حضور دانش‌آموزان کلاس مربوطه

انتقال به مدرسه دیگر

اخراج موقت از مدرسه با اطلاع قبلی ولی دانش‌آموز حداکثر برای سه روز

ماده ۷۷ همین آیین‌نامه تأکید می‌کند «هر گونه تنبیه دیگر از قبیل اهانت، تنبیه بدنی و تعیین تکلیف درس به منظور تنبیه ممنوع است قانونگذار قبل از این که به بیان و تشریح موارد تنبیهی بپردازد در ماده ۷۵ متذکر این نکته شده است که تنبیه باید دانش‌آموز را به اشتباه خود متوجه و زمینه مناسب را برای ایجاد رفتار مطلوب در وی فراهم کند، بنابراین اعمال تنبیه باید متکی بر یافته‌های علمی و استفاده از الگوی مناسب تغییر رفتار باشد. چنانچه نسبت به دانش‌آموزان تنبیه بدنی یا سایر موارد تنبیهی که طبق مقررات ممنوع اعلام شده اعمال شود چه حقوقی برای والدین پیش‌بینی شده است، اظهار داشت: «به استناد بند ۲ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری اگر کارمندی در انجام وظایف محوله، قوانین و مقررات مربوطه را از روی عمد یا ناآگاهی نادیده گرفته و نقض کند مرتکب تخلف اداری شده و قابل تعقیب در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری است. بنابراین اگر معلم یا هر یک از مسئولان مدرسه مبادرت به تنبیه بدنی دانش‌آموزان و یا سایر تنبیهاتی که طبق ماده ۷۷ آیین‌نامه، ممنوع شده کنند مرتکب تخلف اداری شده است و والدین دانش‌آموز می‌توانند مراتب را با طرح شکایت به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان، مستقر در هر وزارتخانه اعلام و پیگیری کنند. همچنین براساس ماده ۱۹

قانون رسیدگی به تخلفات اداری، چنانچه تخلف کارکنان دولت به گونه‌ای باشد که با یکی از مصادیق مجرمانه ذکر شده در قوانین جزایی مطابقت کند علاوه بر پیگیری در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری باید برای رسیدگی به جنبه کیفری موضوع مراتب به مراجع قضایی ذی صلاح ارسال شود.»

«مسئولیت حسن اجرای مقررات و ضوابط در هر یک از دستگاه‌های اجرایی برعهده بالاترین مقام اجرایی است و مدیرانی که تخلف کارمند تحت امر خود را به مراجع ذیصلاح گزارش نکنند، خود مرتکب تخلف اداری شده‌اند. براساس ماده ۸۲ آیین‌نامه اجرایی مدارس، مدیر مدرسه موظف است همکارانش را نسبت به موارد انضباطی آگاه کند و ممنوعیت تنبیه بدنی را تذکر دهد و در صورت مشاهده تخلف نیز مراتب را به منظور اطلاع و اقدام لازم به اداره آموزش و پرورش منطقه گزارش دهد. در ضمن براساس ماده ۸۵ همان آیین‌نامه مدیر مدرسه موظف است وظایف دانش‌آموزان و چگونگی تشویق‌ها و تنبیه‌های پیش‌بینی شده را به صورت اجمالی و متناسب با سن و فهم دانش‌آموزان به آنان آموزش دهد.» ماده ۷۷ آئین‌نامه اجرایی مدارس به صراحت می‌گوید: اعمال هر گونه تنبیه، از قبیل اهانت، تنبیه بدنی، و تعیین تکلیف درسی جهت تنبیه ممنوع است و در اعمال تنبیهات نباید بین دانش‌آموزان تبعیض و استثنایی قائل شد (علوم یزدی، ۱۳۹۳: ۴۳).

۶-۷ پیامدهای تنبیه در حقوق مذاهب اسلامی و حقوق ایران

به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل افزایش روزافزون بزهکاری در افراد وجود تنبیه بدنی در محیط تربیتی آنان است. گزارش‌های متعددی از استان‌های مختلف اثبات می‌کند که افراد تنبیه شده، اغلب از کانون‌های اصلاح و تربیت سردر می‌آورند و یا به افراد تحقیر شده و مظلومی تبدیل می‌شوند که جرأت اظهار وجود و احقاق حقوق خود را ندارد. برای اثبات این مدعا ابتدا به مقله‌ای اشاره می‌کنیم که نویسنده آن این امر را در سه شهر مختلف از سه استان متفاوت مورد بررسی قرار داده است و سپس به یافته‌های فردی خود در استان چهارم به اختصار بیان می‌کند: زهره دانش پژوه در مقاله خود با عنوان تشویق و تنبیه از دیدگاه متخصصان می‌نویسد:

نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه تنبیه حاکی از آن است که جامعه نه تنها تنبیه را مردود نمی‌شمارد بلکه در شرایطی آن را لازم می‌شمارد. تنبیه در اشکال مختلف، در ایران هنوز متداول است (علوم یزدی، ۱۳۹۳: ۴۲). تنبیه بدنی یک نوع کودک‌آزاری و خشونت در خانواده است که موجب نقض حقوق کودک می‌شود و دارای اثرات سوء کوتاه مدت و بلند مدت بر روح و جسم کودک می‌باشد. مسائل مربوط به خطرات تنبیه جسمی افراد از حدود قرن هیجدهم شروع شده است. اما تنبیه جسمی به صورت جدی اولین بار در سال ۲۱۱۱، زمانی که دکتر هنری کمپ و همکارانش متوجه شدند که اکثر شکستگی‌های مشاهده شده در کودکان ناشی از کتک خوردن آنها توسط والدین می‌باشد، بیشتر مورد توجه قرار گرفت. آنها این پدیده را سندرم کودک کتک خورده نامیدند. (اصطلاحی که مسائلی مانند غفلت، آزار جسمی و آزار روحی را در بر می‌گیرد) تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که اکثر موارد کودک

آزاری جسمی در اثر اقدامات والدین برای تنبیه جسمی کودکان به وجود می‌آید، به گونه‌ای که والدین حین تنبیه کودک کنترل خود را از دست داده و به صورت غیر عمدی شدت فیزیکی تنبیه را زیاد می‌نمایند و یا میزان قدرت خودشان را کم تخمین می‌زنند و به این ترتیب باعث بروز آسیب‌های جسمی برای کودکانشان می‌شوند. بیش از ۹۰ درصد والدین که مبادرت به بد رفتاری با کودک خود می‌کنند نه از نظر جسمی مشکلی دارند، نه از نظر شخصیتی جنایت‌کارند و نه سایکوتیک هستند، بلکه افرادی هستند که خود تحت تأثیر تنش و استرس شدیدی قرار داشته و در حالت خشم به کودکان خود آسیب می‌رسانند. در واقع تنبیه جسمی به جز احتمال آسیب‌های جسمی اغلب دارای یک بار عاطفی هم برای کودک و هم برای والدین است. بزرگ‌ترین اشکال تنبیه این است که رفتار نامطلوب را از بین نمی‌برد، بلکه آن را موقتاً واپس می‌زنند. این رفتار پس از ضعیف شدن عامل تنبیه کننده مجدداً ظاهر می‌گردد (لوپز^۱، ۲۰۰۴: ۱۰۰).

از مشکلات دیگر استفاده از تنبیه، پیامدهای جانبی آن است که یافته‌های پژوهشی نیز به آن اذعان دارند. یکی از آنها این است که احساس ناخوشایند حاصل از تنبیه در لحظه تنبیه شدن، از طریق شرطی شدن کلاسیک، با شرایط تنبیه‌ی و شخص یا اشخاص تنبیه کننده تداومی می‌شوند و سبب انزجار و نفرت تنبیه شونده از تنبیه کننده می‌گردند. مشکل دیگر استفاده از روش تنبیه آن است که تنبیه کردن عملی مسری است. مطالعات نشان می‌دهند کسانی که شاهد تنبیه شدن افراد به وسیله دیگران بوده‌اند در مواقع و مکان‌های دیگر خود به تنبیه کسان دیگر اقدام کرده‌اند. بارها دیده شده کودکانی که مرتباً از پدر یا مادر خود کتک می‌خورند، در غیاب آنها به کتک زدن فرزند کوچک‌تر خانواده می‌پردازند. از اشکالات دیگر کاربرد تنبیه و سایر روش‌های تنبیه‌ی تغییر رفتار این است که اگر این روش‌ها ادامه یابند فرد تنبیه شده ممکن است سرانجام به تنبیه کننده حمله ور شود. مثلاً نوجوانی که از کودکی از پدر خود کتک می‌خورده ممکن است سرانجام در برابر او بایستد (تمنایی فر و همکاران، ۱۳۹۰: ۶). اسکینر بر این باور است که تنبیه در دراز مدت بی‌تأثیر است. به نظر او تنبیه صرفاً رفتار را واپس می‌زند و زمانی که دیگر تهدید به تنبیه وجود نداشته باشد، نرخ پاسخ به میزان اولش باز می‌گردد. دلایل مخالفت اسکینر با تنبیه به دلایل زیر می‌باشد. تنبیه آثار جانبی هیجانی نامطلوب به بار می‌آورد. ارگانیسمی که تنبیه می‌شود، می‌ترسد و این ترس به محرک‌های مختلفی که هنگام تنبیه او حضور دارند، تعمیم می‌یابد. تنبیه به ارگانیسم نشان می‌دهد که چه کار نکند، نه اینکه چه کار بکند. در قیاس با تقویت، تنبیه هیچ‌گونه اطلاعاتی در اختیار ارگانیسم نمی‌گذارد. تنبیه صدمه زدن به دیگران را توجیه می‌کنند. این البته در پرورش کودکان بیشتر صادق است. وقتی کودکان تنبیه می‌شوند، تنها چیزی که می‌آموزند این است که در بعضی موقعیت‌ها صدمه زدن به دیگران جایز است. تنبیه در شخص تنبیه شده نسبت به عامل تنبیه کننده و دیگران پرخاشگری ایجاد می‌کند. تنبیه اغلب یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگری می‌کند. برای نمونه شخصی که برای دزدی تنبیه می‌شود، ممکن است پرخاشگر شود

¹- lopez

و در فرصت مناسب به جرایم سنگین تری دست بزنند. یکی دیگر از پیامدهای نامطلوب تنبیه این است که فرد تنبیه شده برای فرار از تنبیه، ممکن است به رفتاری که تنبیه به دنبال دارد، نپردازد و رفتارهای دیگری را جانشین آن کند. مانند خیال پردازی یا رویاهای روزانه (ابوالقاسمی و داودی، ۱۳۸۹: ۱۳۲). در کل پیامدهای زیر نیز می‌توان برای تنبیه بر شمرد:

جدول (۲) خلاصه‌ای از پیامدهای تنبیه

خلاصه‌ای از پیامدهای تنبیه			
افراد را دروغ گو بار می‌آورد	باعث از بین رفتن اعتماد افراد نسبت به بزرگ‌ترها (اعم از والدین و غیر آنها)، می‌شود.	در بعضی موارد کودک با بحث و جدل حق خود را از دیگران می‌گیرد و این روش کودکی را بار می‌آورد که در تمام مراحل زندگی در مقابل هر رفتاری ساکت بماند.	قوه‌ی لبداع و خلاقیت را از فرد می‌گیرد.
افراد را بی اراده و نسبت به اطرافیان بی تفاوت می‌سازد	افراد را کینه‌توز بار می‌آورد.	از نظر روحی، در بزرگ‌سالی او نیز تأثیر منفی دارد و شاید تا آخر عمر، در تمام مراحل زندگی‌اش، راحت نباشد.	در فرد به نوعی ایجاد تنفر می‌کند. (نسبت به والدین، اجتماع، اطرافیان و ...) لازم به ذکر است این نوع تنفر با تکرار می‌تواند باعث ایجاد دشمنی و حتی... گردد
باعث عدم ایجاد کنجکاوی و عدم ابتکار عمل در افراد می‌گردد.	افراد را دچار ناامیدی و سرگردانی روحی می‌کند.	باعث ایجاد یک نوع اضطراب همیشگی در فرد می‌گردد.	-
باعث از بین رفتن اعتماد به نفس در افراد می‌گردد	باعث ایجاد لجبازی در وی می‌شود.	باعث ایجاد سرپیچی و نافرمانی در وی می‌گردد.	-

منبع: (احمد شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۹).

لذا امام صادق (ع) می‌فرمایند: کسی که از راه دوستی به شما روی آورد با نقل عیب‌های او رنجیده خاطرش مکنید، و کار بدی (اگر از او سراغ دارید) که ذکرش او را سر افکنده می‌کند بیادش نیاورید که این کار (زشت و این عمل ناهنجار) از رفتار رسول خدا (ص) نیست و نه از رفتار اولیاء خدا. بچه‌ها را پرخاشگر می‌گرداند. (چنین کودکانی، همیشه دوست دارند بدون دلیل با هرکسی دعوا کنند) تنبیه فقط موجب بازداری رفتار ناخوشایند در فرد می‌گردد، لیکن گرایش به انجام آن را از میان نمی‌برد، به عبارت دیگر از رفتار ناخوشایند جلوگیری می‌کند، لکن آن را به رفتار صحیح دیگری تبدیل نمی‌کند. تنبیه، اجازه عذرخواهی کردن و حتی جبران عمل اشتباه را از فرد می‌گیرد، لذا در بعضی نه تنها فرد آن کار را ترک نمی‌کند، بلکه ممکن است به علت لجبازی، وجود آن کار ناخوشایند، استمرار پیدا کرده و در مواردی به ناهنجاری رفتاری دیگری تبدیل شود. لذا توصیه می‌شود، در صورت ارتکاب خلاف، از ساز و کارهای بازدارنده مثل (ترش کردن-محرومیت-تحریک عواطف-قهر)، استفاده کنید و از تنبیهات بدنی، شدیداً پرهیز کنید (مجوزی، ۱۳۷۳: ۲۹).

۸- نتیجه

به دلیل ویژگی‌ها و حالات پیچیده روح انسان، باید در تشویق و تنبیه، اصول و ضوابط مربوطه را رعایت کرد چرا که در غیر این صورت، مشکلات و پیامدهای منفی برای شخص و حتی جامعه به بار می‌آید. تنبیه در صورتی نتیجه مثبت خواهد داد که مربی پس از آن به دنبال راه علاج و یافتن راه حلی برای فرد خلافکار باشد، تا چنانچه سرپیچی و مخالفت او به جهت فشار از ناحیه عاملی خاص واقع شده باشد، به طور ریشه‌ای به اصلاح آن پرداخته شود. دو دیدگاه عمده در مورد تنبیه وجود دارد: دیدگاه اول، نظر مخالفان تنبیه است. این دیدگاه، تنبیه را غیراخلاقی و غیرانسانی می‌داند و معتقد است: تنبیه توجه‌متربی را به رفتار ناپسند جلب می‌کند بدون آنکه جانشینی مناسب نشان دهد. همچنین تنبیه، رفتار نامطلوب را از بین نمی‌برد، هرچند ممکن است منجر به سرکوب یا کاهش دفعات آن شود، ولی رفتار ناپسند را ریشه‌کن نمی‌کند. دیدگاه دوم در دفاع از تنبیه، قایل به جواز تنبیه است. این دیدگاه، قایل است: بیشتر ایرادهای ذکرشده در مورد تنبیه فقط در مورد یک نوع تنبیه صادق است، و این نوع اشکال بر تنبیه را هم می‌توان با رعایت راه کارهای ارائه شده در مورد اعمال تنبیه بدنی و مقدار آن از عوارض آن، برطرف کرد. در تربیت، تنبیه به میزانی است که فرد را به خطای خود آگاه و راه آینده او را روشن کند امری ضروری است. ولی زیاده‌روی در معنی و توجیه تنبیه به نفع خود و متوسل شدن به کتک آن هم متناسب با میزان جرم خود دانش‌آموز غلط است. تنبیه همه‌گانه به صورت زدن نیست؛ و اگر کتک زدن هم ضروری باشد باید در مرحله نهایی تدابیری اندیشیده شود برای ایجاد اتاق‌های مشاوره و یا

ارجاع افراد به هسته‌های مشاوره متمرکز در ادارات و یا مراکز توان بخشی و روانکاو. و در مورد تنبیهاتی که به طریق ملامت و سرزنش صورت می‌گیرد آن هم در حضور جمع -فرق نمی‌کند در کلاس باشد و یا در جمع دبیران اتاق مدیر و یا در جمع در و همسایه و نزدیکان- نوعی افراط در تنبیه است که موجب پیدایش عقده از دبیران و اولیای مدرسه و اجتماع و دلسردی از تحصیل و زندگی را موجب می‌شود. اسلام در باب تنبیه دیدگاه خاصی دارد که از هرگونه افراط و تفریط منزّه است و به شیوه‌ای اعتدالی، تنبیه را در برخی موارد به شکل محدود، برای اصلاح رفتارهای نامطلوب و با شروطی می‌پذیرد. البته دیدگاه دیگری هم در اسلام وجود دارد و آن از بین بردن زمینه‌های تنبیه یعنی کم کردن و جلوگیری از بروز فساد و گناه است. اسلام به جامعه به صورت یک مجموعه می‌نگرد و از طرفی به موجودیت انسان‌ها هم اهمیت خاصی می‌دهد، خود سازی آحاد امت را لازم می‌داند، نهی از منکر را نیز جزء وظایف می‌شمارد. البته قبل از آن توصیه به رفق و شفقت کرده و بر این اساس، حتی تنبیه بدنی را برای حیوانات هم نمی‌پسندد و به ترحم بر آن‌ها سفارش کرده است. و اما در ارتباط با تنبیه در حقوق ایران باید گفت که با توجه به ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۲۳ آذر ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی چنانچه تخلف کارکنان دولت به گونه‌ای باشد که با یکی از مصادیق مجرمانه ذکر شده در قوانین جزایی مطابقت کند، علاوه بر پیگیری در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، به جنبه کیفری موضوع در مراجع قضایی ذی صلاح نیز رسیدگی خواهد شد. بنابراین اگر تنبیه بدنی فرد موجب ایراد صدمه جسمانی به وی شود، ضارب تحت عنوان ایراد صدمه بدنی عمدی یا غیر عمدی (بر حسب مورد)، تحت تعقیب کیفری قرار خواهد گرفت که مطابق با نظریه پزشکی قانونی بر حسب نوع صدمه وارده محکوم به پرداخت دیه، ارش (دیه غیرمقدر) و حتی قصاص خواهد شد. همچنین ممکن است تحت شرایطی عمل معلم خاطی مشمول ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و یا ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی نیز قرار گیرد.

۹- منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- بابا اوغلی محمود (۱۳۷۵) رضایت شغلی دبیران در ایران تحقیقی در بین دبیران دبیرستان های شهرستان میاندوآب پایان نامه ی کارشناسی ارشد
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه ی جامعه شناسی در دوران معاصر ترجمه ی محسن ثلاثی تهران انتشارات علمی چاپ اول شبکه خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
- سادات فاطمی، ماجده، (۱۳۸۸)، بررسی روش‌های تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه قرآن و مقایسه آن با مکتب رفتارگرایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، استاد راهنما: بهشتی، سعید.

بهارلو، محمد، (۱۳۹۳)، نقش تربیتی تشویق و تنبیه از منظر حضرت علی (سلام الله علیه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و حدیث، استاد راهنما: بختیار نصرآبادی، حسنعلی.

طیبی جبلی، مرتضی، علیان، آزاده، راعی دهقی، مسعود، (۱۳۹۲)، سازوکارهای حمایت از حقوق کودک در برابر مجازات و تنبیه از نظر فقه و حقوق، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، دوره: ۱۸، شماره: ۵۸.

تمنایی فر، محمدرضا، سلامی محمدآبادی، فاطمه، دشتبات زاده، سمیه، (۱۳۹۰)، پیامدهای تنبیه بدنی کودکان توسط والدین در محیط خانه و خانواده، دوفصلنامه حقوق بشر، دوره: ۶، شماره: ۱۲.

مهر، نسرین، قورچی بیگی، مجید، موذن، عباس، (۱۳۹۵)، تحلیل تطبیقی الگوهای کیفردهی در نظام کیفری، ایران و انگستان، پژوهش حقوق کیفری، سال ۶، شماره ۲۰، صفحات ۱۰۵-۱۴۰.

علمی یزدی، محمدتقی، تنبیه بدنی در مدارس و عواقب آن، (۱۳۹۳)، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۶۶،

صفحات ۳۲-۴۶.

ابوالقاسمی، شهنام و تمنا داودی، (۱۳۸۹)، تنبیه از دیدگاه اسلام، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال دوم، شماره دوم.

احمد شیرازی، مریم، (۱۳۹۰)، چگونه بدون تنبیه، تربیت کنیم انتشارات: مادران امروز، چاپ دوم

خانداندار، اصغر، بولاق، محمود، زینلی، رضا، (۱۳۹۵)، مبانی حاکم بر تنبیه بدنی اطفال به عنوان مجازات در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه، نخستین کنفرانس بین المللی و دومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی.

بیگی، جمال، غلامی تازه قعله، توحید، (۱۳۹۱)، تنبیه بدنی کودکان در آموزه های فقهی، قوانین داخلی و اسناد بین المللی، فصلنامه علمی - پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۵، شماره ۱۲-۱۳، ۳۸-۶۰.

حیدرخواه، لطف الله، (۱۳۹۶)، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۳، شماره ۲، صفحات ۱۱۴-۱۱۷.

سلطان احمدی، جلال، یزدانی، مهری، ملکشاه، آرزو، (۱۳۹۵)، بازخوانی حقوقی - فقهی ضرب زن در متون دینی و آرای امام خمینی (ره)، پژوهشنامه متین / سال بیستم / شماره هفتادوهشت، /صص ۷۹ - ۵.

سماواتی پیروز، امیر، عباسی، محمود، آهنین جگر، حسین، (۱۳۸۸)، مصونیت والدین در ایراد صدمات جسمی به فرزندان؛ چالشی پیرامون حق تأدیب در حقوق کیفری، فصلنامه حقوق پزشکی، سال سوم، ماره دهم، صفحات ۱۴۴-۱۷۷.

وزیری فرد، محمد جواد، قرابی، تکتم، (۱۳۹۵)، بررسی تأدیب فرزند از منظر فقه و حقوق موضوعه، نخستین همایش ملی علوم اسلامی حقوق و مدیریت.

پورعبدالله، کبری، السادات حسینی، فروغ، سیار، محمدمهدی، (۱۳۹۲)، گستره ی حق والدین بر تربیت کودک مطالعه ی تطبیقی نظام حقوقی ایران با اسناد بین المللی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۵، شماره ۶۰، صفحات ۱۹۶-۲۳۸.

مجوزی، عبدالله، چرا تنبیه؟!، (۱۳۷۳)، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم جویباری، لیلا، غنا، سامیه، منصور بستانی، مریم، کر، یونس، ثناگر، اکرم، (۱۳۹۶)، دیدگاه و تجربیات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان از تنبیه در محیط های آموزشی، نشریه مطالعات آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش، سال ششم، شماره اول، صفحات ۱۶-۲۴

ب) منابع لاتین

Lopez Stewart C, Lara MG, Amighetti LD, Wissow LS, Gutierrez I, Levav I, et al. Parenting and physical punishment: primary care interventions in Latin America. Rev Panam Salud Publica. 2000

ج) سایت ها

کفای، سیامک، (۱۳۸۶)، نظرسنجی از مردم تهران درباره تشویق یا تنبیه فرزندان، برگرفته از سایت:

<http://www.hamshahrionline.ir>

کریمیان، حسین، (۱۳۸۷)، تنبیه و نقش آن در تربیت با نگرش اسلامی، برگرفته از سایت:

<http://marifat.nashriyat.ir>

<http://www.ion.ir>